

بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش بینی بی ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل

زینب رضایی^۱ - دکتر علیرضا بوستانی پور^۲ - فاطمه حبیبیان^۳

چکیده

طلاق و جدایی مهمترین عامل از همگسیختگی ساختار بنیادیتترین نهاد جامعه یعنی خانواده است از این رو هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش بینی بی ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل بود. روش پژوهش: این مطالعه به صورت توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان مرد و زن آموزش و پرورش بود و روش نمونه گیری به صورت طبقه ای بود که ۹۰ زن و ۹۰ مرد انتخاب شد. ابزارهایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، مقیاس صمیمیت الکسیس جی. واکر و لیندا تامپسون، مقیاس اعتماد (رمپل و هولمز، ۱۹۸۶) و شاخص بی ثباتی ازدواج بود. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شد. یافته ها: یافته های پژوهش بیانگر ارتباط منفی و معنادار اعتماد و بی ثباتی ازدواج در مردان و زنان بود. این بدان معناست که با افزایش اعتماد، بی ثباتی در ازدواج کاهش یابد و برعکس، همچنین رابطه بین صمیمیت با بی ثباتی ازدواج در زنان و مردان نیز رابطه ای منفی و معنادار بود. این بدان معناست که با افزایش صمیمیت، بی ثباتی در ازدواج کاهش یابد. نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد که اعتماد و صمیمیت از عوامل موثر در ثبات و عدم ثبات یک ازدواج می باشد.

کلید واژه ها: اعتماد، صمیمیت، بی ثباتی در ازدواج

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی.

۲. دانش آموخته دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی. پست الکترونیک: arbp99@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت^۱، صمیمیت^۲ و لذت در انسان می‌باشد. از طرفی ازدواج سبب پیدایش همکاری، همدردی، علاقه، مهربانی، بردباری و مسؤولیت پذیری نسبت به خانواده خواهد بود (باب^۳، ۲۰۰۵ به نقل از نظری و همکاران، ۱۳۸۹) و از طرف دیگر مدرنیته و جهانی شدن تغییرات قابل توجهی را در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیستم‌های قانونی نظیر خانواده به ارمغان آورده است و این فرایند تهدید جدی را برای بسیاری از ارزش‌های مربوط به روابط خانوادگی نظیر ثبات در زندگی زناشویی موجب شده است (لئونگ^۴، ۲۰۰۵).

بی‌ثباتی در ازدواج^۵ و سایر روابط یکی از ویژگی‌های بارز سه دهه آخر قرن بیستم بوده است. پایان دادن به ازدواج می‌تواند پریشانی و نگرانی گسترده‌ای را برای افراد ایجاد کند (لیر^۶، ۲۰۰۶). بی‌ثباتی ازدواج مفاهیمی مانند از هم پاشیدگی ازدواج^۷، و طلاق^۸ را تداعی می‌کند (برون^۹ و همکاران، ۲۰۰۶). در تعریفی دقیق تری بی‌ثباتی ازدواج اصطلاحی برای مشخص کردن گرایش یک زوج به انحلال ازدواج می‌باشد. بی‌ثباتی ازدواج در این تعریف در برگیرنده سه حالت است که عبارتند از: ۱- (یک وضعیت عاطفی (من چه احساسی درباره ازدواجم دارم، ۲- (نگرانی‌های شناختی رابطه) من چه فکری درباره چگونگی نتیجه احساسم می‌کنم یا پشت احساس من چه فکری وجود دارد؟ ۳- (اعمال معین (من واقعاً در نتیجه احساسم و افکار متعاقب آن دست به چه اعمالی می‌زنم؟) وایتولو^{۱۰}، ۲۰۰۹).

1. Support.
2. intimacy.
3. Batt.
4. Leung.
5. marital instability.
6. Lehrer.
7. marital instability.
8. divorce.
9. Brown, et.
10. Waite & Luo.

پژوهش‌ها در بسیاری از کشورها بیانگر افزایش نرخ طلاق (چانگ^۱، ۲۰۱۲)، افزایش هم‌خانگی^۲ (هیلی^۳، ۲۰۱۰) و افزایش خیانت‌های زناشویی می‌باشد (جنفریو^۴، ۲۰۰۹) با توجه به اینکه همه این اشکال مبین بی‌ثباتی در ازدواج می‌باشد و انجام پژوهش در این زمینه ضرورت اساسی به نظر می‌رسد و همچنین با توجه به اینکه بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون‌فردی و بین‌فردی متعددی نشأت می‌گیرد (فلانگان^۵، ۱۹۹۹).

مفهوم اعتماد^۶ در زندگی زناشویی در برگیرنده رفتاری مشخص است که فرد به دنبال عملی خاص از همسرش انتظار دارد. (آرون، نورمن^۷، ۲۰۰۱). هولمز و رمپل^۸ (۱۹۸۹) بیان می‌کنند که اعتماد دارای سه مؤلفه اصلی می‌باشد: ۱) میزان اطمینانی که هنگام فکرکردن به رابطه تان، احساس میکنید (قابلیت اعتماد^۹) ۲) توانایی ما در پیشگویی رفتارهای خاص شریکمان اعم از مطلوب و نامطلوب (قابل پیش‌بینی بودن^{۱۰}) ۳) توانایی اعتماد به شریکمان در هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه (ایمان^{۱۱}) (به نقل از تونی^{۱۲} و کاسمیدس^{۱۳}، ۱۹۹۰) پژوهشگران نشان دادند که اعتماد بین فردی دارای ابعاد متعددی است (هاینز^{۱۴}، ۲۰۱۲). بنظر مک‌آلیستر^{۱۵} و همکاران (۲۰۰۳) اعتماد در روابط بین فردی دارای دو بعد شناختی و عاطفی می‌باشد که بعد شناختی آن بیانگر صداقت، قابل پیش‌بینی بودن و وفاداری می‌باشد و بعد عاطفی آن بیانگر یک ارتباط خاص تر

1. Cheung.
2. Cohabitation.
3. Healy.
4. Jeanfreau.
5. Flanagan.
6. Trust.
7. Aron & Norman.
8. Holmes & Rempel.
9. dependability.
10. predictable.
11. faith.
12. Tooby.
13. Cosmides.
14. Heyns.
15. Mcallister.

بین دو فرد می‌باشد که این دو نسبت به آسایش، شادکامی و رفاه دیگری علاقمند می‌باشد. پژوهش‌های مربوط به اعتماد در زندگی زناشویی بیانگر ارتباط قوی بین اعتماد در زندگی زناشویی و خیانت می‌باشد، زوج‌هایی که در رابطه به هم اعتماد دارند به دلیل نزدیکی و پیوند قوی نسبت به ازدواج خود پایبند تر هستند (بوگارت^۱ و سداو^۲، ۲۰۰۲). همچنین پژوهش‌ها در مورد زنان نشان داده که اعتماد به صورت جدایی ناپذیری با انحصار جنسی رابطه دارد، آنها بیان کردند که اعتماد به انحصار جنسی به اندازه شکل‌گیری ازدواج دارای اهمیت می‌باشد (توسنارد^۳، ۲۰۰۹). صمیمیت^۴ بخش مهمی از رابطه است که این بخش مهم عنصر عاطفی عشق در نظر گرفته می‌شود (استرنبرگ^۵، ۱۹۸۶ به نقل از سیومجم^۶، ۲۰۱۱) صمیمیت به عنوان «توانایی پیوند داشتن با دیگری است که این توانایی با ویژگی‌هایی نظیر: سازگاری، درک و حل و فصل تعارض و خصومت» تعریف شده است (مک‌ادامز^۷ و برایانت^۸، ۱۹۸۷).

وارینگ^۹ (۱۹۸۰ به نقل از نظری، ۱۳۸۶) روابط زوجها را ترکیبی از ۸ عنصر شامل: سازگاری^{۱۰} (میزان همکاری صمیمانه زوجها باهم) همبستگی^{۱۱} (میزان تعهدی که زوجها نسبت به هم احساس می‌کنند) رابطه جنسی^{۱۲} (میزان رضایت از رابطه جنسی همسر) خودمختاری^{۱۳} (میزان استقلالی که زن و شوهر برای ارتباط با اعضای خانواده و دوستان، احساس می‌کنند) حلتعارض^{۱۴} (میزانی که زوجها میتوانند اختلاف نظرهای

1. Bogaert.
2. Sadava.
3. Touesnard.
4. Intimacy.
5. Stemberg.
6. Sevgm.
7. Mcadams.
8. Bryant.
9. Waring.
10. Adjustment.
11. cohesion.
12. Sex.
13. Autonomy.
14. Conflict resolving.

خود را با هم حل کنند) عاطفه^۱ (میزانی که زوجها احساسات و عواطف خود را به راحتی برای یکدیگر بیان می‌کنند) ابرازگری^۲ در جهای که زوجها افکار، عقاید و نگرشهای خود را به یکدیگر ابراز می‌کنند) هویت^۳ (میزان اعتماد به نفس و عزت نفس زن و شوهر میگردد.

تحقیقات همواره نشان می‌دهد که صمیمیت به ارتقاء بهزیستی فردی منجر می‌شود و به گفته بروک^۴، واندریکن^۵ و ورتومن^۶ «روابط صمیمی در بین همسران به عنوان پدیده ست که اساس رفتار فردی را تشکیل می‌دهد که نه تنها در بستر اجتماعی ایجاد شده بلکه در وجود فرد نیز پرورش می‌یابد و همین عامل موجب بهزیستی فردی می‌شود» (به نقل از ولسکی^۷، ۱۹۹۸) همچنین تحقیقات نشان داد صمیمیت زناشویی قویترین پیش‌بینی رضایت زناشویی^۸ میباشد (استرنبرگ^۹ و بارنر^{۱۰}، ۱۹۸۵). استینک^{۱۱} (۲۰۰۵) در بحث در مورد اهمیت صمیمیت بیان کرد: زمانی که نیازهای صمیمیت برآورده می‌شود، افراد در زندگی زناشویی خویش کیفیت بالاتری را تجربه می‌کنند.

روش پژوهش

این مطالعه به صورت توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان آموزش و پرورش شهر کرمانشاه بود که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای ۹۰ زن و ۹۰ مرد به عنوان گروه نمونه انتخاب شد. ابزارهایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت:

1. Affection.
2. expressiveness.
3. Identity.
4. Brooke.
5. Vandrykn.
6. Vrtvmm.
7. Volsky.
8. Marital Satisfaction.
9. Stemberg.
10. Barnes.
11. Steinke.

شاخص بی‌ثباتی ازدواج ادواردز و همکاران، اعتماد (رمپل و هولمز، ۱۹۸۶) و شاخص صمیمیت واکرو تامپسون بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

مقیاس صمیمیت^۱ (م ص): تهیه کنندگان این مقیاس الکسیس جی. واکرو لیندا تامپسون^۲ بود این مقیاس یک ابزار ۱۷ سوالی است که برای سنجیدن مهر و صمیمیت تدوین شده است. این مقیاس جزئی از یک ابزار بزرگتر است که چندین بعد صمیمیت را در بر می‌گیرد، اما توسط تهیه کنندگان آن به صورت مقیاس مستقلی گزارش شده است. نمره آزمودنی در «مقیاس صمیمیت» از طریق جمع نمرات سوالات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود. سوالات در طیفی ۷ دامنه ای، از هرگز تا همیشه می‌باشد. نمره گذاری این مقیاس از طریق جمع نمرات عبارات و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود و دامنه نمرات بین ۱ تا ۱۷ می‌باشد و نمره بالاتر به معنی صمیمیت بیشتر است. اعتبار مقیاس صمیمیت با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ از همسانی درونی بسیار عالی برخوردار است.

مقیاس اعتماد در روابط بین فردی: مقیاس اعتماد (رمپل و هولمز، ۱۹۸۶) نسخه تجدید نظر شده مقیاس اعتماد (رمپل و هولمز، ۱۹۸۵) است این آزمون یک ابزار خودگزارشی ۱۸ عبارتی است و آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان مخالفت یا موافقت خود با هر یک از عبارات را مشخص کند. مقیاس اعتماد به منظور ارزیابی میزان اعتماد افراد به همسر یا شریکشان ساخته شده است. این مقیاس دارای ۳ زیرمقیاس: پیش‌بینی‌پذیری، قابلیت اعتماد و وفاداری است. پایایی این پرسشنامه برحسب آلفای کرونباخ در پژوهش اکبری و همکاران (۱۳۸۷) ۶۱٪ به دست آمد که در حد نسبتاً قابل قبولی می‌باشد.

شاخص بی‌ثباتی ازدواج (ش ب ۱): تهیه کنندگان این پرسشنامه جان ان. ادواردز،

1. Intimacy Scale (IS).

2. Alexis J. Walker and Linda Thompson.

دیوید آر. جانسون، و آلن بوث بود و هدف از تهیه این پرسشنامه اندازه‌گیری بی‌ثباتی ازدواج یا احتمال طلاق بود. این ابزار یک ابزار ۱۴ سوالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و خصوصاً مستعد طلاق بودن تدوین شده است. این آزمون در ایران توسط یاری پور (۱۹۷۹) روی ۵۰ زوج متقاضی طلاق در محاکم دادگستری استان قم که به مرکز مداخلات مشاوره خانواده ارجاع داده شده بودند (به عنوان گروه آزمایشی) و ۵۰ زوج غیرارجاعی براساس احتمال طلاق بالا (به عنوان گروه کنترل) اجرا شد. نمره گذاری این ابزار را می‌توان با استفاده از دستور نمره گذاری آن به سهولت روی خود ابزار نمره داد. تعداد پاسخ‌های «مستعد طلاق بودن» جمع می‌شود و در پایین صفحه ثبت می‌گردد، جایی که رقم هم‌تراز «احتمال طلاق» نیز آمده است. این پرسشنامه را می‌توان با استفاده از دستور نمره گذاری آن به سهولت روی خود ابزار نمره داد. تعداد سوال‌های مستعد طلاق بودن جمع می‌شود و پایین صفحه ثبت می‌گردد پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۹۳٪ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۸۷). در ایران هم یاری پور (۱۳۷۹)، برای محاسبه ضریب اعتبار این ابزار از روش همبستگی بین دو نیمه برای ارزیابی قابلیت اعتبار آزمون استفاده کرد و ضریب اعتبار را ۷۰٪ گزارش نمود.

یافته‌ها

جدول ۱) میانگین، واریانس و انحراف معیار مربوط به اعتماد، صمیمیت و بی‌ثباتی ازدواج

متغیر	گروه	میانگین	واریانس	انحراف معیار	تعداد
اعتماد	زن	۹۲.۹۱	۳۸۹.۵۸	۱۹.۷۳	۹۰
	مرد	۹۵.۰۶	۱۸۳.۷۲	۱۳.۵۵	۹۰
صمیمیت	زن	۸۵.۰۸	۲۸۰.۸۸	۱۶.۷۵	۹۰
	مرد	۸۹.۴۱	۳۲۲.۸۷	۱۷.۹۶	۹۰
بی‌ثباتی ازدواج	زن	۳۲.۵۱	۱۰.۵۲	۳.۲۴	۹۰
	مرد	۱۶.۷۶	۷.۳۳	۲.۷۰	۹۰

همانگونه که اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد بیشترین میانگین مربوط به اعتماد بین فردی در گروه مردان با ۹۵.۰۶ می‌باشد و کمترین میانگین مربوط به بی‌ثباتی ازدواج در گروه مردان با ۱۶.۷۶ می‌باشد. همچنین بیشترین انحراف معیار مربوط به اعتماد در گروه زنان با ۱۹.۷۳ می‌باشد و کمترین انحراف معیار مربوط به بی‌ثباتی ازدواج در گروه مردان با ۲۰.۷۰ می‌باشد.

جدول ۲) همبستگی اعتماد و صمیمیت با بی‌ثباتی ازدواج

بی‌ثباتی ازدواج		گروه	متغیر
P	r		
.۰۰۴	-.۳۷**	زنان	اعتماد
.۰۰۱	-.۱۷**	مردان	
.۰۰۰	-.۵۳**	زنان	صمیمیت
.۰۰۰	-.۴۰**	مردان	

یافته‌های جدول فوق بیانگر ارتباط منفی و معنادار اعتماد و بی‌ثباتی ازدواج در مردان و زنان به ترتیب با $(r=-.17, p \leq 0.01)$ ، $(r=-.37, p \leq 0.004)$ می‌باشد. این بدان معناست که با افزایش اعتماد، بی‌ثباتی در ازدواج کاهش می‌یابد و برعکس، همچنین رابطه بین صمیمیت با بی‌ثباتی ازدواج در مردان و زنان نیز رابطه ای منفی و معنادار با $(r=-.40, p \leq 0.000)$ ، $(r=-.53, p \leq 0.000)$ می‌باشد. این بدان معناست که با افزایش صمیمیت، بی‌ثباتی در ازدواج کاهش می‌یابد.

جدول ۴) رگرسیون چند متغیره بی‌ثباتی ازدواج از روی صمیمیت و اعتماد

متغیر وابسته	متغیر پیش بین	گروه	β	B	t	df	R^2	F	p
بی‌ثباتی ازدواج	صمیمیت	زنان	-.۱۲	-.۰۲	-۱.۹۸				.۰۰۰
		مردان	-.۲۳	-.۱۱	-۱.۶۰	۸۹	۲۸.۰	۱۷.۱۲	.۰۰۰
بی‌ثباتی ازدواج	اعتماد	زنان	-.۳۴	-.۰۷	-۲.۴۸				.۰۰۴

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره همزمان نشان می‌دهد، حدود ۲۸ درصد از واریانس بی‌ثباتی در ازدواج توسط صمیمیت و اعتماد در زنان و مردان قابل تبیین می‌باشد و نسبت معناداری F بیانگر ارتباط این متغیرها با بی‌ثباتی ازدواج می‌باشد. با توجه به مقادیر بتا، به ترتیب اعتماد در زنان (۰.۳۴)، صمیمیت در مردان (۰.۲۳)، صمیمیت در زنان (۰.۱۲) و اعتماد در مردان (۰.۰۹) بیشترین واریانس تبیین را برای بی‌ثباتی ازدواج پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متاهل انجام شده است. بدین منظور، که این یافته‌ها با یافته‌های چانگ^۱، ۲۰۱۲، هیلی^۲، ۲۰۱۰، جنفریو^۳، ۲۰۰۹، فلانگان^۴، ۱۹۹۹، بوگهر^۵ و سداو^۶، ۲۰۰۲، توسنارد^۷، ۲۰۰۹ و استرنبرگ^۸ و بارنز^۹، ۱۹۸۵ همسومی باشد.

برای تبیین نقش اعتماد در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج می‌توان گفت: اعتماد یکی از مهم‌ترین اجزاء و شاید یکی از ضروری‌ترین عنصر برای توسعه و نگهداری یک رابطه مطلوب و شاد تلقی می‌شود. سطح پایین اعتماد و یا عدم اعتماد، افراد را برای شروع و یا حفظ یک رابطه داوطلبانه (نظیر رابطه دوستانه، همکاری تفریحی و گروهی، رابطه عاشقانه و ازدواج) بی‌میل می‌کند. در واقع به نظر می‌رسد که اعتماد بستری برای ظهور روابط سالم و امن می‌باشد و خیانت به اعتماد یکی از رایج‌ترین دلایل ذکر شده برای

1. Cheung.
2. Healy.
3. Jeanfreau.
4. Flanagan.
5. Bogaert.
6. Sadava.
7. Touesnard.
8. Stemberg.
9. Barnes.

نابودی یک رابطه می‌باشد (هولمز و رامپل، ۱۹۸۶).

سطح اعتماد موجود می‌تواند همچون مانع یا تسهیل‌کننده‌ای موثر در زمینه ارتباطات به شمار آید. زمانی که همسران به یکدیگر اعتماد ندارند، ارتباط بیشتر مستعد آن خواهد بود که در معرض تحریف قرار گیرد دلایل زیادی نیز برای ایجاد بی‌اعتمادی بین همسران مطرح می‌باشد. که گاهی این بی‌اعتمادی ناشی از عدم شناخت کافی طرفین از یکدیگر، بدبینی و گاهی نیز ناشی از عملکرد ناخوشایندی است که یکی از طرفین در روابط پیشین خود داشته است (رامپل و همکاران، ۱۹۸۵). اعتماد یک پدیده حساس و شکننده است. برای بوجود آمدن آن زمان زیادی طول می‌کشد ولی به راحتی می‌توان آن را از بین برد و دستیابی مجدد به آن کار چندان ساده‌ای نیست. همچنین از آنجا که اعتماد موجب افزایش اعتماد می‌شود، باید گفت که بی‌اعتمادی هم موجب تشدید بی‌اعتمادی می‌گردد (ماسی و دورز، ۲۰۰۷).

اعتماد بین زوجین، آنها را قادر می‌سازد تا ریسک‌پذیر باشند. برای درک و فهم اعتماد، شایستگی و مسئولیت‌پذیری دو عنصر اصلی هستند. اعتماد به دیگران بیشتر متمرکز بر این است که دیگران چگونه تصمیم بگیرند که بتوانند بر آن فرد تأثیر بگذارند تا اینکه چگونه رفتار کنند: آیا آنها خواسته‌ها و منافع من را در نظر می‌گیرند؟ در نهایت اینکه اعتماد تنها شامل باور افراد به دیگران نیست، بلکه شامل تمایلاتی است که آنها برای آگاهی مبتنی بر عمل، به کار می‌برند. بنابراین اعتماد بین فردی اندازه‌ای است که یک فرد به عمل و تصمیمات دیگران مطمئن باشد و تمایلاتی است که بر پایه عمل و تصمیمات دیگران رفتار کند. هنگامی اعتماد مبتنی بر شناخت است که با توجه به دلایل خوبی که برای شایستگی یک فرد وجود دارد، به او می‌توان اعتماد کرد. پایه‌ی احساس جهت اعتماد شامل قیده‌های احساسی بین افراد می‌باشد (مک الیستر، ۱۹۹۵).

برای تبیین نقش صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج می‌توان گفت مطالعات نشان می‌دهد که برخورداری از صمیمیت در میان زوج‌های متاهل، از عوامل مهم ایجاد

ازدواج پایدار است (کرافورد و انگر، ۲۰۰۴ به نقل از خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷) و اجتناب از برقراری رابطه صمیمانه، از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی می‌شود (بلوم، ۲۰۰۶ به نقل از خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷). یکی از نیازهای عاطفی زوجها، روابط توأم با صمیمیت است که منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی در زندگی می‌باشد.

فردی که میزان صمیمیت بالاتری را در روابط تجربه می‌کند، قادر است خود را به شیوه مطلوب تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به شریک و همسر خود ابراز نماید. مطالعه‌ها و تجارب بالینی نشان داده‌اند که در جامعه معاصر، زوجها مشکلات شدید و فراگیری را هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضای انتظاراتها و نیازهای یکدیگر تجربه می‌کنند. ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج، یک مهارت و هنر است که علاوه بر سلامت روانی و تجارب سالم اولیه به داشتن نگرشهای منطقی و کسب مهارتها و انجام وظایف خاصی نیاز دارد (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲).

منابع

- اکبری، محمد. گلپور، محسن و کامکار، منوچهر. (۱۳۸۷). *رابطه اعتماد بین فردی، خودکارآمدی، پایبندی مذهبی و بخشش*. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی. دانشگاه آزاد واحد خوراسگان (اصفهان). شماره سی و پنجم.
- ثنایی، یاقر. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت.
- خمسه، اکرم و حسینیان، سیمین. (۱۳۸۷). *بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت دانشجویان متأهل*. مطالعات زنان، شماره ۱.
- نصر اصفهانی، نرگس، اعتمادی، احمد و شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۲). *بررسی تأثیر آموزش معنا-محور بر صمیمیت زناشویی زنان*. مجله علوم پزشکی قزوین. سال هفدهم، شماره ۱. (پی در پی ۶۶).
- نظری علی محمد، صاحب‌دل، حسین و اسدی، مسعود. (۱۳۸۹). *بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل*. زن و معالعات خانواده. سال دوم- شماره ۸.

- نظری، علی، محمد (۱۳۸۶)، *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*. تهران: نشر علم.
- یاری پور، علی. (۱۳۸۳). *بررسی تأثیر طرح مداخلات مشاوره خانواده بر میزان ثبت طلاق در محاکم دادگستری شهر قم*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه آزاد واحد رودهن.
- Aron, A& Norman, C. (2001). Self-expansion model of motivation and cognition in close relationships and beyond. *Journal of Personality and Social Psychology*. 42, 1539-1586.
- Bogaert, A. F., & Sadava, S. (2002). Adult attachment and sexual behavior. *Personal Relationships*, 9, 191-204.
- Brown, S.L., Sanchez, L.A., Nock, S.L. & Wright, J.D. (2006). *Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability and divorce: a comparison of covenant versus standard marriage*. *Journal of social science research*, 35, 457-470.
- Cheung, W. L. (2012). *A study of forgiveness and reconciliation of married couples in the Chinese context: development of a clinical intervention model*. Doctor of Philosophy. University of Hong Kong.
- Flanagan, C. (1999). *Early socialization: sociability and attachment*. New York, NY: Rutledge.
- Healy, A.E. (2010). *Living Together: Conservative Protestants and Cohabitation*. Degree of Master of Arts. Georgia State University.
- Heyns, M. (2011). *Exploring interpersonal trust in a South African-based petrochemical organization*. Masters in Business. North-West University.
- Holmes, G., & Rempel, K. (1986). *Trust and conflict in closer relationships*. Invited address at the meeting of the American Psychological Association, Washington, DC.
- Jeanfreau, M. M. (2009). *A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity*. Doctor of Philosophy. Kansas State University.
- McAllister, D.J. (1995). Affect- and cognition-based trust as foundations for interpersonal cooperation in organizations, *Academy of Management Journal*, Vol. 38 No. 1
- Massey, G. & Dawes, Ph. L. (2007). Personal characteristics, trust, conflict, and effectiveness in marketing/sales working relationships, *European Journal of Marketing*, Vol. 41 No. 1/2
- McAdams, D. P. & Bryant, F. B. (1987). Intimacy motivation and subjective mental health in a nationwide sample. *Journal of Personality*, 55 (3), 395-413.
- McAllister, D., Ambrose, M., Schminke, M. (2003). Measure of supervisory trust. *Journal of Applied Psychology*, 88:295-305. <http://search.ebscohost.com.proxy.lib.uiowa>.
- Labate, L. & Talmadge, C. W. (1987). Love, intimacy and sex. In Gerald R. Weeks and Larry Hof (Eds.) *Integrating sex and marital therapy: A clinical guide* (pp. 23-26; 30). NY: Brunner/Mazel.
- Lehrer, E.L. (2006). *Age at Marriage and Marital Instability: Revisiting the Becker-Landes-Michael Hypothesis*. University of Illinois at Chicago Economics Department.
- Leung, J. (2005). *Foreword*. In K. P. H. Young & A. Y. L. Fok (Eds.), *Marriage, divorce, and remarriage: Professional practice in the Hong Kong Cultural Context* (pp. vii-viii). Hong Kong: Hong Kong University Press.
- Rempel, J.K., Holmes, J.G. and Zanna, M.D. (1985). Trust in close relationships", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 49

- Sevgm, B. (2011). *Roles of attachment styles on personality traits, and anger on relationship and life satisfaction: mediator roles of humor, intimacy, and psychological problems* graduate school of social sciences. middle east technical university.
- Steinke, E. E. (2005). Intimacy needs and chronic illness: Strategies for sexual counseling and self-management. *Journal of Gerontological Nursing*, 31 (5) , 40-50.
- Stenberg, R.J., & Barnes, M. (1985). Real and ideal others in romantic relationships: is four a crowd? *Journal of Personality and Social Psychology*. 49, 1589-1596.
- Tooby, j., & Cosmides, L. (1990). On the universality of human nature and the uniqueness of the individual: The role of genetics and adaptation. *Journal of Personality*, 58, 17-68.
- Touesnard, L. (2009). *What's Love Got to Do With It? A Study of the Effects of Infidelity on Contemporary Couples*. degree of Master of Arts. University of Waterloo.
- Volsky, J. A. (1998). *Intimacy, Marital Satisfaction, and Sexuality in Mature Couples*. Degree of Master of Arts. Concordia University.
- Waite. L.J., Luo. Y., & Lewin. A.C. (2009). Marital happiness and marital instability: consequences for psychology well-being. *Journal of social science research*. 201-212

